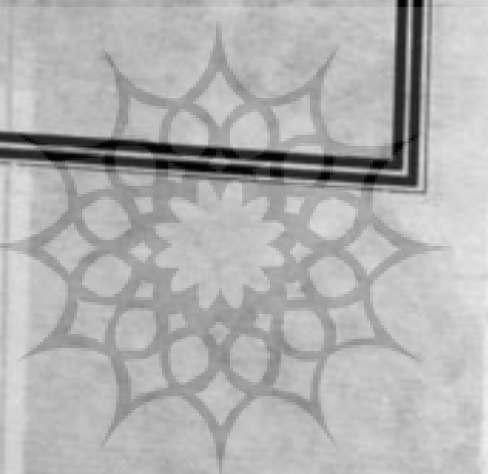


# سیر گذشت‌های ویژه از زندگی امام



## آیه الله خاتم یزدی موضوع: استفتاء امام

بسم الله الرحمن الرحيم  
من نمی دانم در باره امام چه بگویم!  
می گویند: گاهی یک چیز از بس ظاهر و  
هویدا است، پنهان می شود. حضرت امام  
بقدری ابعاد مختلف و جهات گوناگون دارد  
که انسان نمی داند چه جهتی را مورد بحث  
قرار دهد، انسان هنگامی که می خواهد در  
باره امام صحبت کند، به یاد حضرت -  
امیرالمؤمنین - سلام الله علیه - می افتد  
که می گویند: او مجمع اعداد است، یعنی  
دارای صفات متضاد، اگر با دقت، نظری به  
زندگانی پر بار امام خمینی بیفکنیم، ابعاد  
گوناگون انسانی را در وجود او می یابیم.  
در عبادت و راز و نیاز به درگاه خداوند  
ذوالجلال، اولین عابد است و در مقام زهد

می نمود. در مورد سهم امام و وجوهات  
شرعیه بیشترین دقت و ملاحظه را داشت.  
برخی از آقایان بودند که نسبت به تعلق  
گویان و آنان که وجوهات بیشتری می آوردند  
نوعی خضوع یا لاقط تواضع بیش از حد  
نشان می دادند، ولی امام در تمام دوران  
مرجعیت، در مقابل کسانی که سهم امام یا  
سایر وجوهات شرعیه می آوردند، نه اینکه  
خضوعی نمی کرد، بلکه می توان گفت: با  
یک نوع بی اعتنائی برخورد می نمود. البته  
این تعبیر درست نیست که بگوئیم بی اعتنائی  
می کرد ولی در هر صورت، این وجوهات  
دادن دلیلی برای احترام فوق العاده  
نداشت، زیرا نظر امام این بود که: شما  
وظیفه خود را انجام می دهید، خیال  
نکنید که منتی بر من دارید! شما با این پول

باز سائرین مردم و در مقام علم سرآمد  
دیگران. بر عطفه ترین مردم نسبت به  
بندگان خدا و خشن ترین آنان در برابر  
ستمگران و ظالمان. با یتیمان و فقیران و  
بی نومیان پدری رؤوف و مهربان و در برابر  
زورگویان و جباران روزگار آشتی ناپذیر  
نقل می کنند: در اوایل طلبگی و در سنین  
جوانی، هر جا امام بود، جایی برای غیبت  
کردن نبود، با شدت از بدگویی کردن  
دیگران جلوگیری می کرد.  
مرحوم شیخ نصرالله خلخالی گفت: من  
چهل سال با امام دوست بودم، هیچگاه  
ندیدم نماز شب او ترک شود. همیشه قبل  
از اذان صبح بیدار بود و در حال عبادت  
و مناجات بسر می برد. همواره در نمازهای  
جماعت شرکت می کرد و به دیگران اقتدا

دادن راحت می‌شوید و من که می‌خواهم این پولها را در راه خودش مصرف کنم. در زحمت قرار می‌گیریم، بنا براین شما ایجاد زحمت برای من کرده‌اید، دیگر نباید منتی بر من داشته باشید.

مرحوم خلخالی نیز می‌گفت: یکی از ثروتمندان اصفهان که مرد متشخص و آدم خوبی هم بود، علاوه بر وجوه‌سزای خویش به حوزه‌ها همواره کمک می‌کرد، ضمن‌علاقه زیادی به امام داشت. در زمان طاغوت، که فشار زیادی بر مردم می‌آوردند که کسی از ایران با ایشان تماس نگیرد، آن ثروتمند اصفهانی که سالهای طولانی با من رفیق بود، به نجف آمد. می‌خواست خدمت امام برسد که هم زیارت ایشان کرده باشد و هم مبلغی پول به عنوان کمک به شهریه طلاب به امام بپردازد، ولی چون من می‌دانستم که معمولاً امام در چنین مواردی به افراد با نوعی بی‌اعتنائی برخورد می‌کنند و ممکن است در روحیه آن شخص اثر معکوسی داشته باشد، لذا ناچار شدم خودم با ایشان به خدمت امام برسم.

نجف اشرف از دیرزمانی مرکز فقه و اصول و جایگاه فقهای بزرگ عالم تشیع بود ما ست حوزه علمیه نجف که سابقه هزار ساله دارد و آن همه افتخار برای اسلام آفریده است، ولی مع الاسف در این دوران، حزب بعثت پلید، این حوزه کهنسال را از بین برده است. هنگامی که امام را به نجف تبعید کردند، ما خیال می‌کردیم، امام با آن همه

مشکلات و فشارهای سیاسی از طرف دولت ایران و عمر چندان حال بررسی کردن مسائل و معضلات فقه و اصول را ندارند و با این شعله‌های سیاسی و آن همه کارهای اجتماعی، شاید وقت رسیدن به تدریس فقه و اصول را نداشته باشند، ولی هنگامی که امام درس را شروع کردند، دیدیم در برابر دریائی بیکران واقع شده‌ایم که هر چند مشکلات هم زیاد بود، موقع درس - دادن، توکوثی کاری جز درس و بحث ندارد احاطه بر تمام جوانب درسی و آن موشکافیها و تحقیقهای ارزنده‌ای که از مغز این بزرگمرد عالم بشریت، تراوش می‌کرد، دوست و



دشمن را به اعجاب و حیرت واداشته بود. دشمنان، می‌پنداشتند که امام دیگر حال درس‌دادن ندارند، یا اینکه چندان موفق

یکی از روشهای جالب امام در تدریس این بود که قبل از درس دادن و بعد از آن، ملاقاتهای خود را برای مدتی کاملاً تعطیل میکردند و به هیچ کاری جز مطالعه نمی‌پرداختند.

نمی‌توانند باشند ولی پای درستی که حاضر می‌شدند، انگشت حیرت به دهان گرفته، خود را از آن بدبینی‌ها سرزنش می‌کردند. البته چیزی که عیان است، چه حاجت به بیان است. آنان که نوشتجات امام را در نجف دیده‌اند، می‌دانند که ایشان چه شخصیت برجستهای است، و برآستی جای بسی تعجب است، که با آن همه گرفتاریها و فشارها و بررسی مشکلات مسلمین و دنبال کردن اخبار از گوشه و کنار دنیا، وقتی به کتابهایی که ایشان در نجف نوشته‌اند می‌نگریم، می‌بینیم این در توان یک انسان معمولی نیست بلکه گویا از مبداء وحی سخن می‌گوید. وقتی مسالهای را بررسی می‌کند، و آن را برای شنونده باز می‌کند، خیال می‌کنی این مرد چیزی جز این مساله فقهی ندارد، آنچنان مشکلات فقرا را برای شنونده از هم باز می‌کند، که گویا امام صادق (ع) دارد این مساله را رسیدگی می‌کند. تا انسان ۶ جلد مکاسب ایشان را از اول ببیند تا آخر و یک جلد کتاب الخلل فی الصلاه را که امام در نجف نوشته‌اند، مطالعه نکند، نمیتواند به عظمت روح این بزرگوار پی ببرد. من معتقدم که تا کنون همانند مکاسب ایشان، نه علمای قدیم و نه معاصرین، کسی نتوانسته است، برشته تحریر در آورد و اصلاً مقام فکری و مقام استنباط و تدبیر و تدقیق و تحقیق ایشان را نمی‌توان طرف نسبت با دیگران قرار داد.

یکی از روشهای جالب امام در تدریس - که امیدوارم اهل علم این روش را بیسروی کنند - این بود که قبل از درس‌دادن، مدتی ملاقاتهای خود را کاملاً تعطیل می‌کردند و به کسی اجازه ملاقات نمی‌دادند بلکه به هیچ کار دیگری جز مطالعه مشغول



نمودند و همچنین پس از تمام شدن بحث نیز برای مدتی ملاقات نداشتند، برای اینکه بلافاصله، مطالبی را که فرموده بودند مشغول نوشتن و تحریر آن مطالب می شدند اینجانب و حجت الاسلام و المسلمین آقای کریمی که افتخار تصحیح آن نوشتجات را داشتیم، در نوشتجات امام، هیچ خط خوردگی نمی دیدیم. با اینکه درسها را به زبان عربی می نوشتند، مع ذلک مطالب، بسیار رسا و با شیوای جالب و بدون هیچ خط خوردگی بود. البته این به زبان عربی بود، ولی در تسلط ایشان بر ادبیات فارسی که برای کسی پوشیده نیست.

حقیر نزد بسیاری از بزرگان درس خوانده ام و با بسیاری بحث کرده ام، کسی را در تحقیق و تدقیق مانند امام ندیده ام، البته این چیزی نیست که من ادعا کنم، آقایان می توانند به کتابهای فقهی امام مراجعه کنند تا خود به این مطلب اعتراف نمایند.

درس دیگری که از زندگی امام باید یاد بگیریم و از طلاب عزیز می خواهم که از آن پیروی کنند، تا به مقامات عالیه برسند، این است که امام هیچگاه وقت خود را بیهوده صرف نمی کردند و بدون جهت از

دست نمی دادند بلکه بیشترین استفاده را از اوقات گرانبهای خود می نمودند. این جهت را حتما باید طلاب پیروی کنند، خصوصا در این دوران که حوزه نجف از بین رفته است، و حوزه قم، چشم چراغ عالم تشیع شده است و تمام ممالک اسلامی نظر به حوزه قم دارند. طلاب، مخصوصا جوانان باید بیشترین بهره را از اوقات خود ببرند. ایام به فقاهت اهمیت زیادی قائلند و همیشه سفارش می کردند که حوزه باید تقویت شود و طلاب باید وقت گرانبهای خود را وقف این راه مقدس بکنند، زیرا امروز نیاز کشور بلکه نیاز اسلام به فقیه خیلی زیاد است. امیدواریم توجه جوانان به درس و بحث بیشتر شود تا اینکه فقه آل محمد علیهم السلام - به سیر صعودی بلکه با علا مرتبه خود برسد، انشاء الله.

خداوند وجود حضرت امام را برای تمام مسلمین محفوظ بدارد و دشمنان دین و اسلام را مخدول و منکوب و رزمندگان عزیز ما را پیروز و سرفراز بگرداند و ما را هم توفیق دهد که پیوسته در خط امام حرکت کنیم.

امام هیچگاه وقت خود را بیهوده صرف نمی کردند و بدون جهت از دست نمی دادند بلکه بیشترین استفاده را از اوقات گرانبهای خود می نمودند. این جهت را حتما باید طلاب پیروی کنند.